

تحلیل رابطه حکمرانی متعالی و موانع فراروی همگرایی در سازمان همکاری اسلامی

فروزان مرزبانی، لیلا جمشیدی، فرزاد رستمی

چکیده

سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با هدف ایجاد همگرایی و همکاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مدیریت مسائل و موضوعات متعدد در ابعاد و جغرافیای خاصی شکل می‌گیرند. در این راستا، سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان دومین سازمان بین‌دولتی پس از سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۹ میلادی با اهداف پیش‌گفته و با محوریت همگرایی سیاسی در مدیریت مسائل جهان اسلام و همچنین ترویج صلح بین‌المللی شکل گرفت. هم‌اکنون و بعد از حدود پنج دهه از حیات این سازمان فرامنطقه‌ای، چالش‌های اساسی بر سر راه تحقق اهداف بنیادین آن قرار دارد. در نگاه اول به نظر می‌رسد مقوله تعارض منافع کنشگران با محوریت توازن قدرت میان کشورهای مؤثر عضو و همچنین رویکرد آنارشیست حاکم بر عرصه سیاست بین‌الملل ازجمله موانع اساسی تحقق همگرایی در این سازمان فرامنطقه‌ای باشد. مقاله حاضر ضمن تأکید بر مؤلفه مذکور، فرضیه جدیدی را مطرح می‌نماید که بر اساس آن، موانع تحقق همگرایی و همکاری مؤثر اعضا در مدیریت مسائل جهان اسلام نتیجه فقدان کاربست حکمرانی متعالی است. بر این اساس، پژوهشگران به دنبال تحلیل و بررسی موانع تحقق اهداف سازمان همکاری اسلامی در چهارچوب حکمرانی متعالی اسلامی و ابعاد آن و همچنین ارائه راهکارهایی جهت تحقق چشم‌انداز این سازمان کلیدی در جهان اسلامند. روش تحقیق در پژوهش حاضر تحلیلی-توصیفی است. جامعه مورد مطالعه شامل کتاب‌ها، مقالات علمی (داخلی و خارجی) و سایت‌های معتبر و مرتبط با موضوع می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان داد که تحقق شاخص حکمرانی متعالی اسلامی منجر به افزایش متغیر همگرایی در بین کشورهای سازمان همکاری اسلامی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: سازمان همکاری اسلامی، جهان اسلام، حکمرانی متعالی اسلامی، همگرایی.

مقدمه

پژوهش حاضر با مطالعه سازمان همکاری اسلامی و کیفیت تعامل کشورهای عضو، با مشاهده واگرایی در بین آن‌ها درصدد بررسی علل ایجاد این وضعیت در بین کشورهای عضو و همچنین تأثیر تمسک به حکمرانی متعالی اسلامی در اداره امور آن و ایجاد همگرایی در ارتباطات رسمی و غیر رسمی در بین کشورهای مورد نظر می‌باشد. با در نظر گرفتن عدم توجه به حکمرانی اسلامی در میان کشورهای اسلامی و در مقابل توجه به حکمرانی خوب در میان این کشورها ضرورت دارد که کشورهای عضو سازمان شاخص حکمرانی اسلامی آن را در روابط خود مورد استفاده قرار دهند. لذا مقاله حاضر با هدف بررسی شاخص‌های حکمرانی اسلامی گردآوری شده است و به دنبال پاسخگویی به این سؤال بوده است که چه موانعی بر سر راه همگرایی در کشورهای سازمان همکاری اسلامی وجود دارد؟ و در راستای پاسخگویی به این سؤال این محورها را مطرح می‌کند.

۱- حکمرانی متعالی اسلامی؛

۲- عوامل واگرایی و همگرایی در سازمان همکاری اسلامی؛

۳- حکمرانی از دیدگاه لیبرال و نقد آن؛

۴- ضرورت حکمرانی اسلامی.

۱- حکمرانی متعالی اسلامی

حکمرانی شیوه و فرآیند حکومت کردن، هدایت و راهبردی کردن و تنظیم قواعد اساسی جامعه در راستای تحقق اصول نظریه حکومت دینی (عدالت، رفاه، نظم، اخلاق، معنویت و...) از طریق به کارگیری مجموعه‌ای از نهادها و سازوکارهای رسمی و غیررسمی با مشارکت شهروندان است. حکمرانی اسلامی به دنبال تعالی دادن جمع و فرد از بعد مادی و معنوی به سوی واقع است. حکمرانی اسلامی نقش مستقیم و مؤثری در وحدت و یکپارچگی امت دارد، زیرا امتی که با داشتن هدف الهی در مسیر تکامل گام برمی‌دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی مورد قبول است (دهقانی، حیدری، عادلی، ۱۳۹۴: ۵).

از دیدگاه اسلام حکمرانی متعالی دارای بعد مادی و معنوی است.

۱-۱ بعد مادی

این بعد شاخص‌های مادی را که به ایجاد حکمرانی متعالی کمک می‌نماید، مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۱-۱ پاسخگویی و حق اظهار نظر

مقصود از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان می‌توانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند. این شاخص همچنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلات و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص‌ها هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و حاکمان داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکلات و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت نموده و نظرات خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است (شاه‌آبادی، جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۶-۵).

این تعریف از پاسخگویی نشان‌دهنده عملکرد این شاخص در حکمرانی اسلامی است که دولت-نهادهای مدنی بخش خصوصی و آحاد اجتماعی در برابر همدیگر و مهم‌تر از آن در برابر خدا نسبت به کارایی خویش در جامعه باید پاسخگو باشند، در حالی که در حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی نیازی به پاسخگویی در برابر خداوند نیست (همان منبع).

۱-۱-۲ قانون‌مداری (حاکمیت قانون)

یکی از امور مورد توجه حضرت علی (ع) قانون‌مداری و حاکمیت قانون بوده. اگر کسی برخلاف قانون عمل می‌کرد بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را برای وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۹).

اسلام قانون‌مداری را مبتنی بر قانون الهی دانسته و قانونی را که در جامعه مورد استفاده قرار می‌دادند، طبق دستور خداوند بوده و رضایت خداوند را در اولویت قرار می‌دادند، در حالی که در حکمرانی خوب از دیدگاه بین‌المللی قانون‌مداری به معنی پایبندی به قانون مصوب قوه مقننه می‌باشد که این قانون مصوب بیشتر از دیدگاه بین‌المللی طراحی شده و نه اسلام و در آن توجهی به خواست خداوند وجود ندارد (خاشعی، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۵).

۱-۱-۳ کارایی و اثربخشی

در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، میزان تعهدی که دولت نسبت به این سیاست‌ها دارد، در این شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر حکمرانی است. در حکمرانی اسلامی برای کارایی و اثربخشی هرچه بهتر دولت از تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی استفاده می‌شود. در حالی که در حکمرانی خوب از دید بین‌المللی فقط ظرفیت‌های مادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (شاه‌آبادی، جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۹).

۴-۱-۱ مبارزه با فساد

آنچه که در این شاخص قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد و هم شامل فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود و هرچه این سوء استفاده بیشتر باشد حکمرانی ضعیف شده و عکس آن نشان‌دهنده حکمرانی متعالی و برتر می‌باشد (شاه‌آبادی، جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۱).

در خصوص مبارزه با فساد امام علی (ع) فرموده‌اند: «همانا زمامدار امین خدا در زمین و برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است». ایشان در مدت کوتاه حکومت خویش به‌شدت با فساد حتی در خصوص نزدیکان خویش مقابله نمودند.

در حکمرانی خوب از دیدگاه مجامع بین‌المللی مبارزه با فساد از طریق دستگاه‌های نظارتی و قابل دسترس بودن اطلاعات برای همه صورت می‌گیرد. درواقع از اصل شفاف‌سازی برای مبارزه با فساد استفاده می‌گردد. در حالی که در حکمرانی متعالی از دیدگاه اسلام علاوه بر نظارت برای جلوگیری از فساد، اصل صداقت و همچنین یک اصل اعتقادی مبنی بر حلال و حرام مورد توجه قرار می‌گیرد که این را بیان می‌کند، مسئولان باید با توجه به اینکه اگر در دستگاه آن‌ها فساد رخ دهد، فعل حرام صورت گرفته، باید با آن به‌شدت مقابله نمایند.

۵-۱-۱ ثبات سیاسی و نبود خشونت

این شاخص به معنای آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی، سرنگونی و براندازی باشد. بر این اساس عدم ثبات سیاسی نشان از حکمرانی ضعیف می‌دهد و وجود ثبات سیاسی معرف یک حکمرانی متعالی است (شاه‌آبادی، جامعه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۷).

حضرت علی چه در تمام دورانی که از خلافت دور بودند و چه زمانی که در رأس خلافت قرار داشتند، برای ثبات سیاسی حکومت تلاش کردند. در دوران سه خلیفه اول به دنبال براندازی حکومت این خلفا نبودند و زمانی که خود ایشان خلافت می‌کردند، همواره به دنبال مبارزه با کسانی بودند که قصد از بین بردن ثبات سیاسی حکومت را داشتند.

در حکمرانی متعالی اسلامی، حفظ ثبات سیاسی کشور، چه برای مردم چه برای مسئولان یک وظیفه است که باید همگی برای حفظ حکومتی که در راه اسلام قدم گذاشته و پیرو اسلام است تلاش کنند، در حالی که در غرب اگر یک دولت و حکومت منفعت بیشتری را نصیب افراد کند، بدون توجه به بعد معنوی آن، حکمرانی موجود، خوب تلقی می‌شود (امام‌قلی‌پور، آسمانه، ۱۳۹۵، ۹۶-۹۴).

۱-۲ بعد معنوی

این بعد شاخص‌هایی را مورد بررسی قرار می‌دهد که به ایجاد حکمرانی متعالی اسلامی از لحاظ معنوی کمک می‌کنند. درواقع مشخص می‌کند که چه شاخص‌های معنوی حکمرانی متعالی اسلامی را ایجاد می‌نماید که در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱ خدامحوری و تقوا

در حکمرانی اسلامی، خدامحوری و تقوا اساس و از اصول کار و سازندگی است و همه چیز با معیار تقوا ارزیابی می‌گردد. امام علی (ع) شیوه برخورد و اصول حکومت‌داری را در نامه خود به مالک اشتر از تقوا و خداگرایی آغاز می‌کند و سفارش می‌نماید که اداره صحیح جامعه اسلامی را با تقواگرایی، عبادت و بندگی، خودسازی و توجه به امدادهای غیبی خداوند سازمان دهید. درواقع می‌توان گفت تقوا دو اثر مهم در حکمرانی اسلامی دارد: یکی روشن‌بینی و بصیرت و دیگری توانایی بر حل مشکلات و خروج از مضایق و تاریکی‌ها (دهقانی، حیدری، عادل، ۱۳۹۴: ۶).

می‌توان گفت که بر اساس دیدگاه اسلام اگر در حکومتی خدامحوری و تقوا اصل قرار گیرد و حکومت‌گران آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند، حکمرانی متعالی اسلامی در آن جامعه شکل خواهد گرفت.

۱-۲-۲ ایمان و اعتقاد

سرچشمه همه اوصاف شایسته برای همگان، به‌خصوص برای مدیران و حکمرانان ایمان می‌باشد، چراکه ایمان و اعتقاد به احدیت، امنیت می‌آورد و راه خیانت را می‌بندد و انسان را از لغزش‌ها حفظ می‌کند (دهقانی، حیدری، عادل، ۱۳۹۴: ۶). از دیدگاه حضرت علی حکومت‌کننده‌ای که در دلش نسبت به خداوند ایمان و اعتقاد قوی داشته باشد، این باعث می‌شود که شاخص‌های بعد مادی در حکومت ایجاد شود و حکمرانی متعالی اسلامی ایجاد می‌گردد، یعنی یک شاخص معنوی باعث کمک به ایجاد شاخص‌های مادی می‌گردد.

۱-۲-۳ اصل عدالت و انصاف (برابری)

از راه‌های اثربخشی و نفوذ حکمرانان در درون زیردستان، عملکرد عادلانه آنان در رفتار و گفتار می‌باشد. امام علی می‌فرماید: کسی که عادل باشد، حکمش نفوذ خواهد کرد و خداوند نیز همه مؤمنان را به رعایت انصاف و عدالت فرامی‌خواند و می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته کار کامل عدالت را به کار گیرید و برای خدا شهادت دهید، هرچند به زیان شما یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد (دهقانی، حیدری، عادل، ۱۳۹۴: ۷ و ۶).

انصاف و برابری بر همگان واجب است، اما وقتی حکومت‌گران که نیروی اصلی یک کشور را در اختیار دارند انصاف و برابری را رعایت کنند باعث تقویت حکمرانی در جهت متعالی آن می‌شود که این حکمرانی متعالی در قالب انصاف و برابری حکمرانی متعالی اسلامی را ایجاد می‌نماید.

۱-۲-۴ امر به معروف و نهی از منکر

از صفات دیگری که از اخلاق و ویژگی‌های مهم حکمران اسلامی به شمار می‌آید، امر به معروف و نهی از منکر است. اگرچه این دو واجب الهی، فریضه همگانی است ولی برای حکمران در محدوده حکومتش پراهمیت‌تر است (دهقانی، حیدری، عادل، ۱۳۹۴: ۱۲). اگر امر به معروف و نهی از منکر توسط حکومت‌گران نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به مردمشان صورت گیرد و همچنین اگر مسئولان به امر به معروف و نهی از منکر مردم گوش فرادهند، شاهد یک حکمرانی متعالی اسلامی خواهیم

بود. هرچند که حکمرانی اسلامی قطعاً در سطح آرمان‌گرایانه آن برای شرایط حال حاضر امکان‌پذیر نیست، اما هدف از بررسی آن در این مقاله نزدیک شدن به سطح برتر حکمرانی اسلامی با توجه به شرایط فعلی جهان است.

ساختارها و عملکردهای جدید در سطوح یک سیستم جدید که فراگیر از سابق است (چه از نظر جغرافیایی و چه کاربردی).

بر اساس عوامل همگرایی در جهان اسلام و سازمان همکاری اسلامی

جدول شماره ۱

-دین مشترک و تأکید بر ویژگی‌های مشترکات دینی، فرهنگی و تاریخی -تهدید مشترک اعم از تهدید امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی -وجود سازمان کنفرانس اسلامی عنوان زمینه و بازوی اجرایی ایده وحدت جهان اسلام -تعلقات و روابط عاطفی ملت‌های مسلمان -نیازها و وابستگی‌های متقابل در زمینه‌های مختلف -علائق، منافع و نقش مشترک	همگرایی به وحدت و درهم‌آمیزی کشورها در راستای نیل به اهداف مشترک اطلاق می‌شود بر این اساس عوامل و زمینه‌های همگرایی و وحدت در جهان اسلام:
---	--

-تهدید مشترک اعم از تهدید امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی	
---	--

زمینه‌ها و عوامل مزبور به‌صورت انفرادی و جمعی (ترکیبی)، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر شکل‌گیری فرآیند همگرایی، پدیدار شدن تشکل‌های جهان و بین‌المللی و منطقه‌ای دارند (حافظنیا، زرقانی، ۱۳۹۱: ۷۳).

سازمان کنفرانس اسلامی تنها نهاد بین‌المللی دولتی مذهبی در جهان امروز است که هدف آن همکاری گسترده بین دولت‌های عضو در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است. علت تشکیل این سازمان را باید در ناکامی رادیکالیزم عربی برای آزادی فلسطین، جنگ فاجعه‌آمیز ژوئن ۱۹۶۷ میلادی، آتش‌سوزی عمدی مسجدالاقصی و همچنین نیاز کشورهای اسلامی به یک تشکل منطقی با هدف نیل به همگرایی در حوزه‌های متنوع دانست (همان منبع).

عوامل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی

مجموعه عوامل متعدد شامل تفاوت در ساختار سیاسی و اقتصادی، اولویت‌های امنیتی، درجه استقلال و یا تکیه بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، تفاوت در نظام ارزشی و ضعف سازمان از نظر تشکیلات اداری و برنامه‌ریزی زمینه روند واگرایی در سازمان همکاری اسلامی بوده است (بزرگمهری، ۱۳۹۵).

چالش‌های وحدت و همگرایی سازمان همکاری اسلامی در جدول شماره ۲ آمده است:

چالش‌های وحدت و همگرایی سازمان همکاری اسلامی	- تفاوت‌های مذهبی، ایدئولوژیکی و طرز تلقی‌های مختلف و گاه متضاد از دین اسلام - مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی - ضعف یا فقدان مکانیسم موارد پیونددهنده درون منطقه‌ای در بعد اقتصادی
--	---

- وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی جهان اسلام به قدرت‌های فرامنطقه‌ای - رقابت‌های داخلی قدرت‌های برتر جهان اسلام - تفاوت‌های سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان اسلام - آمیختگی فضایی- جغرافیایی و فقدان یکپارچگی سرزمین کشورهای جهان اسلام - تعارض‌های مرزی و سرزمینی - تفاوت در اندیشه، ایدئولوژی سیاسی و وجود نظام‌های سیاسی متفاوت - تفاوت‌های قومی و تأکید بر تعصبات قومی-قبیله‌ای	
---	--

تحولات سیاسی جهان اسلام از سال تأسیس این سازمان تاکنون به‌ویژه تنش‌های جدید قطب‌های قدرت در این سازمان (ایران، عربستان سعودی، مصر، ترکیه، سوریه، عراق، لیبی و...) شرایطی را ایجاد کرده است که روند همگرایی سیاسی و امنیتی میان کشورهای عضو شدیداً دچار اختلال شده است و سازمان عملاً رویکردی واگرایانه را اختیار کرده است (بزرگمهری، مجید: ۱۳۹۵).

با توجه به عوامل واگرایی به‌طور کلی می‌توان این عوامل را از دو بعد: ۱- درون منطقه‌ای ۲- برون منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد.

۲-۳ مؤلفه‌های درون منطقه‌ای واگرایی در سازمان همکاری اسلامی

این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

۲-۳-۱ مؤلفه‌های سیاسی واگرایی در سازمان همکاری اسلامی

۱-۲-۳ نظام‌های سیاسی ناهمگون و ناسازگار

۲-۲-۳-۱ ناسیونالیسم

۳-۲-۱-۳ بی‌ثباتی سیاسی

۴-۲-۱-۳-۱ ساختار شدیداً نابرابر قدرت میان کشورهای عضو و توزیع نابرابر ثروت

۵-۲-۱-۳-۱ نقش شعار عربی

۶-۲-۱-۳-۱ توسعه‌نیافتگی

۷-۲-۱-۳-۱ تفاوت‌های فرهنگی و قومی

۸-۲-۱-۳-۱ درک تفاوت نخبگان کشورها از توسعه و فقدان تعامل میان آن‌ها

۲-۳-۲ مؤلفه‌های اقتصادی واگرایی در سازمان همکاری اسلامی

-وابستگی اقتصادی به کشورهای خارج از سازمان به‌خصوص قدرت‌های غربی

-عدم تشابه اقتصادی سیاسی کشورهای عضو «سکا»

-منافع و علایق اقتصادی ناهمگون

-توزیع نابرابر منابع و ثروت در منطقه

-مکمل نبودن اقتصاد کشورهای عضو «سکا»

-وابستگی به فروش نفت و مواد خام

۲-۳-۳ مؤلفه‌های اجتماعی واگرایی در سازمان همکاری اسلامی

۱-۳-۳-۱ فقدان ارزش‌های مشترک و عدم انسجام اجتماعی

۲-۳-۳-۲ تعدد قومی و مذهبی

۳-۳-۳-۲ اقلیت‌های قومی و تأثیر آن در عدم شکل‌گیری انسجام اجتماعی

۴-۲ مؤلفه‌های بیرونی واگرایی در سازمان همکاری اسلامی

این مؤلفه به شرح زیر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت:

۴-۲-۱ نفوذ و اثرگذاری قدرت‌های بزرگ در محیط داخلی کشورهای عضو «سکا» به‌خصوص خاورمیانه

۴-۲-۲-۴-فروپاشی شوروی و تأثیر آن در پیشبرد نظم نوین بین‌المللی آمریکا

۴-۲-۳ تعارض و برخورد موردی نتایج تصمیم‌گیری کنفرانس اسلامی با منافع غربی و آمریکا

۴-۲-۴ تراحم منافع غرب و آمریکا با کشورهای عضو در خصوص رژیم صهیونیستی

۴-۲-۵ محدودیت ایجادشده توسعه حقوق و قوانین عرفی و بین‌المللی متأثر از نگاه غربی (هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۶).

۳- حکمرانی خوب از دیدگاه لیبرال و نقد این دیدگاه

پیشرفت ظاهری و مادی لیبرال-دموکراسی، عده‌ای را به این باور رسانده است که بشر غربی در عرصه اندیشه و نظام سیاسی به تکامل عقلی و بلوغ فکری یا پایان تاریخ دست یافته است و لذا می‌تواند این موهبت را از طریق ابزارهای قهرآمیز و غیر آن به جوامع غیر غربی منتقل سازد و شاید فوکویاما می‌گوید: «انسان امروزه هیچ راه حلی جز پذیرفتن لیبرال-دموکراسی ندارد» اما در این غوغا، صدای مخالفت‌های قومی، ملی و به‌ویژه مذهبی علیه لیبرال-دموکراسی کماکان به گوش می‌رسد؛ بنابراین، برخی ناظران و اندیشمندان، افول لیبرال-دموکراسی را از هم‌اکنون پیش‌بینی کرده‌اند، زیرا لیبرال-دموکراسی که تا سطح نظم نوین جهانی و جهانی شدن ارتقاء پیدا کرده، مدینه‌ای است که فاقد وفاق عملی در باب مفهوم و مصداق عدالت و بی‌توجه به خصایص غیر مادی انسان است (نصرت‌پناه، مسعود بخشی، ۱۳۹۷: ۱۲۴ و ۱۲۵).

به نظر می‌رسد، مهم‌ترین مسئله‌ای که به بحران در لیبرال-دموکراسی دامن زده است، رویکرد انسان‌مدارانه لیبرال-دموکراسی در حل معضلات اجتماعی است که تناسبی با حقیقت انسانیت ندارد. در حالی که بن‌بست‌های لیبرال-دموکراسی تنها در پرتوی بازگشت به خدا و اصالت دادن به خدامحوری در زندگی بشر حل می‌شود، زیرا خداوند خالق انسان، جهان و منشأ و مصدر همه امور عالم است. از این رو، بر توانایی، نیاز و استعداد انسان واقف است و به این دلیل فقط در حیطه اوست

که برنامه زندگی انسان را بر مبنای تناسب کامل با نظام تکوین تنظیم کند. در غیر این صورت، قوانین موضوعه انسانی به جای تضمین غایت حقیقی انسان که همان سعادت اوست، شقاوت و عقوبت را به ارمغان می‌آورد. به بیان دیگر، تنها برنامه‌ای که بتواند سعادت واقعی انسان و رسیدن او به کمال مطلق را تضمین کند، برنامه‌ای است که با فطرت انسان و نظام خلقت هماهنگ بوده و بر مبنای ویژگی‌های اصیل انسانی و با توجه به نیازهای حقیقی او و بر مبنای توجه به مصالح و مفاسد واقعی وی تنظیم شده باشد. کسی جز خدا از فطرت و ویژگی‌های اصیل انسانی آگاه نیست، پس تنها او مجاز است به انسان راه زیستن در نظام سیاسی- اجتماعی را بیاموزد و ارائه دهد.

علاوه بر تعلیم دینی، تجربه امروزی بشر غربی نیز مؤید آن است که انسان به‌تنهایی قادر به تعیین هدف آفرینش و تنظیم برنامه زندگی نیست که نقش انسانیت انسان را در تنظیم اعتباریات مورد نیاز در نظر بگیرد و نیز تضمین‌کننده سعادت واقعی او در جهان دنیوی و اخروی باشد. چون ابزار شناخت انسان، یعنی حس، تجربه و عقل، ابزاری محدود و نسبی است که نه‌تنها خطاپذیرند بلکه حتی از شناخت ابعاد مختلف وجود انسان نیز عاجز مانده تا چه رسد به اینکه رموز جهان آفرینش و اسرار نهفته در عالم غیب و آخرت را دریابند. همچنین مکتب حکمرانی لیبرال-دموکراسی به دنبال تحقق مفهوم توسعه در جوامع می‌باشد و توسعه تنها در رفاه مادی بشر خلاصه می‌شود، در حالی که مکتب حکمرانی متعالی اسلامی پیشرفت را مد نظر قرار داده و ضمن توجه به رفاه مادی، خیر و سعادت معنوی و اخروی بشر را نیز تأمین می‌کند و برای آن طرح و برنامه مدون دارد.

بنابراین، در یک حکمرانی متعالی اسلامی تنها خداوند است که عالم به تمام حقایق فرض می‌شود و تنها در ید قدرت اوست که با ارائه قوانین منطبق با فطرت و هماهنگ با خلقت و با ارسال پیامبر و انتصاب امام به‌عنوان اسوه‌ها و الگوهای عملی، انسان‌ها را در راه نیل به کمال و حرکت در همان مسیری که هدف خلقت بوده، هدایت و راهنمایی کند (معمارزاده، جاسبی ۱۳۸۹: ۱۹).

۳-۱ نقد و بررسی نظریه لیبرال-دموکراسی

مکتب لیبرال-دموکرات به‌عنوان یگانه مکتب مدعی ارائه نظریات حکمرانی جهان‌شمول، مدعی ارائه «ملاحظات مبنایی تولید اعتبارات عام و جهان‌شمول اجتماعی» می‌باشد. بر این اساس، ملاک‌های چهارگانه به‌دست‌آمده ذیل عناوین «عدم مغایرت با نظام تشریع»، «تناظر با غایت حقیقی انسان»، «ابتنای بر جنبه ملکوتی انسان» و «اصالت بر نیازهای ثابت انسانی» محور اصلی نقدهای مورد نظر

قرار گرفته و تلاش خواهد شد تا با توجه به این ملاک‌ها انتقادات وارد به لیبرال-دموکراسی مورد اشاره قرار گیرد (میرشکاری، قاسمی، بیرجندی، ۱۳۹۷: ۲۳-۹).

۳-۱- مغایرت با نظام تشریع

یکی از مهم‌ترین ملاحظات مبنایی در تولید اعتبارات جهان‌شمول، عدم تغایر با نظام تشریع بود؛ چراکه نظام تشریع گرچه حاوی گزاره‌های اعتباری است، لکن این گزاره‌های اعتباری مبتنی بر حقایق هستند که بشر به آن‌ها دسترسی مستقیم ندارد. در حقیقت، این اعتبارات راه‌های منحصر شناخت حقایق مشار خود هستند و نیل به آن حقایق که هدف هستی و غایت انسان است، جز از طریق این اعتباریات ممکن نیست.

به همین سبب، هر گزاره اعتباری که توسط انسان تولید می‌شود، می‌بایست با این اعتباریات شرعی همسو باشد. پس در عرصه حکمرانی و طرح نظام‌های حکومتی، مؤلفه‌ها و مبانی آن‌ها نیز نمی‌بایست تضادی میان آن مؤلفه‌ها، مبانی و خود آن نظام با نظام تشریع مشاهده شود. این در حالی است که لیبرال-دموکراسی غربی در موارد متعددی دارای اصول و مبانی است که ناقض نظام تشریع است (همان منبع).

الف: عدم تناظر با غایات حقیقی انسان

یکی از انتقادات وارد بر لیبرال-دموکراسی فراموشی غایات حقیقی انسان و در عوض آن قرار دادن غایت متوسط به‌عنوان هدف نهایی و حتی جعل غایات اشتباه برای وی است (شجاعیان، ۱۳۹۳: ۶۱۳).

ب: عدم ابتنای بر جنبه ملکوتی انسان

همان‌طور که در تبیین نظریه اعتباریات نشان داده شد، در طراحی نظامات اعتباری، می‌بایست تمامی ابعاد وجودی انسان در نظر گرفته شود، به‌خصوص بعد ملکوتی انسان که منشأ و علت بعد مادی وی بوده است و نسبت به آن تقدم رتبی دارد. لذا، اعتباریات جهان‌انسانی، به‌خصوص در نظام‌های حکومتی نمی‌بایست تنها به‌منظور بعد مادی انسان طراحی شود. این در حالی است که نظام لیبرال-دموکراسی در موارد متعددی از مبنایی‌ای برخوردار است که مبتنی بر جنبه ملکوتی انسان نیست (همان منبع).

ج: اصالت ندادن به نیازهای ثابت انسانی

در لیبرال-دموکراسی غربی میان نیازهای ثابت و حقیقی انسانی خلط شده و گاهی نیازهایی برای وی اصیل گرفته می‌شود که در اصل متغیر بوده، حقیقی نبوده و دورکننده وی از نیازهای حقیقی‌اش است. این عدم توجه به نیازهای ثابت انسانی منجر می‌شود تا ادعای جهان‌شمولی لیبرال-دموکراسی نیز زیر سؤال برود، چون اساساً اگر نظامی نتواند رافع نیازهای ثابت انسانی باشد، رافع نیازهای متغیر او نیز نبوده و نمی‌تواند مدعی برآوردن نیازهای تمامی انسان‌ها باشد و در بهترین حالت نیازهای برخی انسان‌ها را پوشش می‌دهد.

درواقع شریعت معیار بوده و اعتبارات اجتماعی در صورت ارجاع به شریعت که حاکی از نظام تکوینی عالم است، اعتباربخشی می‌شود (نصرت‌پناه، بخشی ۱۳۹۷: ۱۳۶).

۳-۱-۲ تناظر با غایات حقیقی انسان

یکی از بحث‌های مهم در این عرصه این است که آیا اهداف واقعی برای انسان در کار هست یا اهداف تنها دلبخواهی و سلیقه‌ای (توهمی) هستند.

عالم دارای هدف و مقصدی است که به سمت آن در حرکت است، لذا غایت‌مند بوده و عبث و بیهوده نیست. همچنین، انسان نیز موجودی هدفمند است و هدفی واقعی و وجودی در پیش رو دارد؛ بنابراین، در طراحی، اعتباریات اساساً برای نیل انسان به یک غایت طراحی می‌شوند. پس هر نظام قانون‌گذاری ابتدا باید هدف غایی انسان در نظام خلقت را مد نظر قرار دهد. بر این اساس، چیزی که در تضاد و ناهماهنگی با غایت و کمال واقعی انسان است، ممنوع و این‌گونه نیست که تنها یک امر سلیقه‌ای و توافقی باشد (همان منبع).

۳-۱-۳ ابتدای بر جنبه ملکوتی انسان

اعتباری که متناسب با بعد انسانی انسان باشد، اعتبارات ارزشمند و برتر است و اعتباری که متناسب با جنبه معنوی و روحی انسان نباشد، تنها اعتباری برای تأمین حوائج مادی وی است که اگر مانع رشد و کمال بعد انسانی و جنبه ملکوتی انسان - که همان فطرت است - شود، مردود است (نکویی مهر ۱۳۸۹: ۱۹۳).

الف) ملاحظات مبنایی تولید اعتبارات عام و جهان‌شمولی اجتماعی

در نظریه جهان‌شمول در عرصه علوم اجتماعی می‌بایست با الگوگیری از روابط و ملاحظات در دو نظام تکوین و تشریع و ملاحظه نسبت میان آن دو، ملاحظات مبنایی تولید اعتبارات عام و جهان‌شمول اجتماعی را استخراج کرد.

(ب) عدم مغایرت با نظام تشریع

به بیان صدرالمآلهین، سیاست (اعتبارات عام اجتماعی) به دو قسم سیاست انسانی و سیاست الهی تقسیم می‌شود و نباید سیاست انسانی جدای از سیاست الهی و شریعت باشد. سیاست الهی مجموعه تدابیری است که از طرف شارع مقدس برای اصلاح حیات اجتماعی انسان در نظر گرفته شده است و سیاست انسانی تدابیر عقلانی از سوی انسان‌هاست که با تکیه بر سیاست الهی برای اصلاح جامعه اتخاذ می‌شود (همان منبع).

همچنین از آن رو که انسان دارای درجات اجتماعی است، برای جامعه انسانی نیز برخی احکام اجتماعی ثابت و تغییرناپذیر وجود دارد. لذا برای اینکه جامعه انسانی به سعادت خود دست یابد لازم است که اصولی علمی و قوانینی اجتماعی را بین خود وضع کنند که آن اصول و قوانین برخاسته از فهم تکوین و حقیقت عالم است و سعادت حقیقی و نیازهای واقعی انسان را در نظر می‌گیرد؛ بنابراین بشریت برای دوام و بقای خود در این دنیا و سعادت خود در دنیای دیگر نیازمند اصولی است که مبتنی بر انسانیت و نیازهای انسان بوده و نیازهای برتر او را که نشأت گرفته از حقیقت ملکوتی است تأمین کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۶) بخشی از این اصول و قوانین برخاسته از مکتب و شریعتی است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است (مطهری، ۱۳۷۷، ۵۹) بخشی از این اصول که صراحتاً در شریعت وارد نشده است از جانب عقل است؛ چراکه اساس عقل بر پیروی از حق است، به همین جهت اسلام قوانین خود را بر اساس عقل وضع نمود، چون جهت نظر عقل پیروی از حق است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۹).

(ج) اصالت با نیازهای ثابت انسانی

برخی از نیازهای انسان مبتنی بر نوع واحد انسانی بوده و لذا در هر زمان و مکانی ثابت و دائمی هستند؛ اما اجتماع انسانی یک سلسله نیازهای دیگری نیز دارد که بسته به شرایط زمانه تغییر می‌کند و حتی در بستر زمان، نیازهای جدیدی پدید می‌آید. با این اوصاف اول اینکه، آیا لازم است به همه این نیازهای نوظهور پاسخ داده شود؟ و دوم اینکه، پاسخ به این نیازها که به زندگی همه مردم گره خورده است بر چه اساسی و از طریق چه کسی باید ابلاغ شود؟

در خصوص سؤال اول باید خاطرنشان کرد، پاسخ شریعت به برخی نیازهای نوپدید انحلالی است، به این معنا که چون نیاز حقیقی نیست خود را ملزم به پاسخ به آن نمی‌داند. چه‌بسا با انبوه نیازهای جدیدتر، انسان دچار اعوجاج و پیچیدگی بیشتر شده. در نتیجه سبب دور شدن از نیازهای حقیقی‌اش شود. نیازهای بشر باید از راهنمایی فطرت پیروی کند و محکوم آن باشد، نه طبیعت و فطرت از خواسته‌های بی‌بند و باران عواطف و احساسات.

اما در خصوص سؤال دوم باید خاطرنشان کرد که نیروی محرکه برای این نحوه قانون‌گذاری «اجتهاد» است، به این صورت که با استمداد از قوه عقل که احکام را البته نه در همه‌جا، بلکه در مواردی کشف می‌کند بر مدار نیازهای ثابت، نیازهای متغیر تشخیص داده شده و تغییر می‌کند (نصرت‌پناه، ۱۳۹۷: ۸۹).

۴- ضرورت حکمرانی اسلامی

ضرورت وجود حکمرانی مهم‌ترین پیش‌فرض ارائه هرگونه حکمرانی است. ظاهراً فقط خوارج در صدر اسلام و نیز آنارشئیست‌ها در قرون اخیر، فکر وجود و ارائه حکمرانی را ضروری نمی‌دانند. خوارج در باب حکومت و امامت عقیده داشتند که اقامه حکومت و تعیین خلیفه یا امام واجب نیست، بنابراین به‌طور مطلق جایز است که جامعه روزگاری بدون حکمران و امام به سر برد. به این سان، با نفی وجوب حکمرانی، این حکم را تجویز می‌کردند که فرد مسلمان بنا به تشخیص خود اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند. آنارشئیست‌ها نیز معتقدند که بشر می‌تواند با اصول اخلاقی زندگی اجتماعی خویش را اداره کند و نیازی به حکومت نیست. به موجب این نظریه، انسان ذاتاً دارای غریزه اجتماعی است و اگر به حال خود واگذاشته شود، راه زندگی اجتماعی را در پیش می‌گیرد (معمارزاده، ۱۳۸۹: ۳۶).

ولی سایر مکاتب فلسفی، فرض‌های این دو نحله را فرض‌های غیرواقع‌بینانه می‌دانند و عمل و تجربه هم نشان داده است که همیشه در جامعه بشری افرادی هستند که ملتزم به قوانین اخلاقی نخواهند شد و اگر قدرتی نباشد که آن‌ها را کنترل کند زندگی اجتماعی به هرج و مرج کشیده می‌شود (همان منبع).

در نگاه اسلام، حکمرانی وسیله‌ای است برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی و عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام. حضرت امیرالمؤمنین (ع) درباره نقش حکومت و فرماندهی به ابن عباس فرمود: «این کفش

چقدر می‌ارزد؟ گفت: هیچ. فرمود: فرماندهی بر شما نزد من از این هم کم‌ارزش‌تر است؛ مگر اینکه به‌وسیله فرماندهی و حکومت بر شما بتوانم حق (قانون و نظام اسلام) را برقرار سازم و باطل (قانون و نظامات ناروا و ظالمانه) را از میان بردارم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۳).

خدا تنها منبع ذاتی مشروعیت حکمرانی

این اصل یکی از پیش‌فرض‌های مهم فلسفه سیاسی اسلام است. مبتنی بر این اصل حق حکمرانی و امر و نهی کردن اصالتاً از آن خداوند متعال است. حق خداوند متعال در این زمینه ذاتی است و تعیین حاکم مخصوص خداوند متعال است. خدایی که همه هستی و جهان و از جمله انسان را آفریده و مالک حقیقی همه چیز است (بهشتی، ۱۳۹۴: ۶).

همان‌طور که در نقد نظریه لیبرال-دموکراسی اشاره شد، اساس این نظریه بر این است که حکومت اصالتاً مال مردم و حق آن‌هاست و رأی مردم است که به شخص حاکم و حکومت او مشروعیت می‌بخشد و اعتبار قانونی به اعمال قدرت از جانب او می‌دهد؛ اما معلوم شد که این سخن با نظریه حکمرانی اسلامی سازگاری ندارد، زیرا بر اساس این پیش‌فرض، همان‌طور که تک‌تک افراد هیچ‌کدام ذاتاً و اصالتاً حق حاکمیت ندارند، جمع مردم و جامعه نیز ذاتاً و اصالتاً از چنین حقی برخوردار نیست، چراکه تمام هستی و متعلقاتشان مال خدا است و همگی مملوک و ملک حقیقی خداوند متعال‌اند و هیچ حقی ندارند که بر دیگران حکومت کنند یا فردی را به‌عنوان حاکم تعیین کنند (شجاعیان، ۱۳۹۳: ۳۱۲).

از مهم‌ترین عوامل و روش‌های تسری حکمرانی متعالی اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تسری اصل ولایت؛

۲- قانون‌مداری در حکمرانی متعالی؛

۳- کارآمدی و اثربخشی در حکمرانی متعالی؛

۴- تأثیر عوامل مادی و توسعه در حکمرانی متعالی؛

۵- عدالت و حکمرانی متعالی.

۴-۱ نظریه حکمرانی اسلام: «اصل ولایت»

با توجه به ضروری بودن حکمرانی و نیز وسیله بودن برای رسیدن به اهداف و غایات عالی انسانی و همچنین برآوردن حوایج حقیقی در قانون جامعه اسلامی که همگی آن‌ها هدف نهایی عدالت را دنبال می‌کنند و نیز با عنایت به اینکه حقانیت تمامی قوانین و ارکان حکومتی می‌بایست به خداوند متعال داده شود، می‌توان چهارچوب اصل ولایت را تبیین و معرفی کرد (مقیمی، ۱۳۹۸: ۱۰۲).

مبتنی بر اصل ولایت تدابیر امور مردم در تمامی ابعاد مادی و معنوی می‌بایست بر عهده ولی معصوم- یا در عصر غیبت، نزدیک‌ترین فرد به لحاظ صفات به وی- باشد و وی می‌بایست تدبیر دنیوی و اخروی جامعه را با توجه به قوانین دینی و رعایت مصالح ایشان صورت دهد. ولی امر به‌عنوان مجری احکام اسلامی کسی است که شرایطی ویژه دارد و با فقدان یا از بین رفتن آن شرایط، صلاحیت حکومت نیز از او سلب می‌شود. یکی از روش‌های تسری حاکمیت اسلامی در کشورهای سازمان همکاری اسلامی، اصل ولایت است (همان منبع).

انقلاب اسلامی علاوه بر طرح گفتمان در حکمرانی جهانی اسلام عملاً رهبری و هدایت مستضعفان را در این مبارزه علیه مستکبران عهده‌دار شد تا قبل از طرح این جبهه‌بندی جدید، مفهوم ام‌القری به‌منظور نمایان کردن رهبری جامعه مسلمانان به کار برده می‌شد، لذا پس از طرح ادبیات استکبار و استضعاف، این مفهوم نیز دچار توسعه در معنا شده و علاوه بر رهبری دنیای اسلام، رهبری جهان مستضعفان را در بر گرفت. امام خمینی (ره) در توصیف نقش جمهوری اسلامی ایران در جهان حاضر آن را نه دیگر فقط ام‌القری جهان اسلام که ام‌القری تمام جهان مستضعفان می‌دانست (نصرت‌پناه، بخشی ۱۳۹۷: ۹۳).

در گفتمان حکمرانی جهان اسلام امام خمینی (ره)، اگر قرار باشد حکمرانی اسلامی مبتنی بر «اصل ولایت» در دیگر جوامع نیز قابل تحقق باشد، شرط لازم، حرکت آن جامعه در مسیر عدالت است. چنین جامعه‌ای ذیل «اصل ولایت» تعریف شده و مؤید از سوی ولی جامعه و مورد حمایت پرچمدار اسلام ناب و ام‌القری جهان استضعاف است. وظیفه حکمرانی اسلامی کمک کردن و خدمت‌رسانی به آن جامعه برای تحقق هدف رفع ظلم و مبارزه با استکبار است. لذا، چنین جامعه‌ای با توجه به جنبه «عدالت» آن هم مبتنی بر فهم عمومی مردم آن جامعه از عدالت، در جبهه حق تعریف شده و در سلسله «اصل ولایت» می‌گنجد و البته این تأیید و حمایت در باب مقدمه‌ای است برای شکل‌گیری حکمرانی واحد جهانی علیه ظلم و استکبار و از آن مهم‌تر رشد و اعتلای تمامی مستضعفان جهان،

به گونه‌ای که دیگر نظام ظالم و مستکبری در عالم نباشد تا زمینه برای تحقق اندیشه اسلامی ناب که تعالی بخش تمامی انسان‌هاست فراهم شود (همان منبع).

۴-۲ قانون‌مداری در حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی نیازمند چهارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. حاکمیت قانون امروزه به عنوان یکی از مشخصه‌های حکمرانی مطلوب شناخته می‌شود و جایگاه بزرگی را در مطالعات مربوط به کارآمدی حکومت‌ها دارد. این مشخصه، به معنای حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد در اسلام، در مجرای قانون شریعت مفهوم می‌یابد، موضوعی که تفاوت قانونمندی در مفهوم اسلامی و غربی آن را نمایان می‌سازد. اسلام قانون و نظم را به عنوان یکی از اصول اساسی خود معرفی کرده و راه رستگاری را در سایه عمل به مقررات شریعت معرفی نموده است (سهرابلو، علی، ۱۳۹۴: ۱).

۴-۳ کارآمدی و اثربخشی در حکمرانی متعالی

برای آنکه یک حکمرانی بتواند کارآمدی و اثربخشی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی داشته باشد، باید:

- ۱- مشروعیت و مشارکت داشته باشد، یعنی همه مردم باید در تصمیم‌سازی نقش داشته باشند، چه به طور مستقیم و چه از طریق ابزارهای قانونی میانجی تا نظرشان را اعلام کنند.
- ۲- حکمرانی خوب باید برای نیل به اجماع بتواند بین منافع گروه‌های مختلف میانجی‌گری و تا حد ممکن در سیاست‌ها و رویه‌ها توافق ایجاد کند.
- ۳- چهارچوب قانون به‌ویژه قوانین حقوق بشری باید بی طرفانه باشد و به طور بی طرفانه نیز اجرا شود.
- ۴- تصمیم‌سازان حکومتی باید به مردم پاسخگو باشند.
- ۵- شفافیت بر پایه جریان آزاد اطلاعات شکل گیرد (همان منبع).

۴-۴ تأثیر عوامل مادی و توسعه در حکمرانی متعالی

توسعه مفهومی کلیدی در علوم اجتماعی است که از علوم طبیعی استخراج شده و در مورد فرآیند تغییر در جوامع بشری به کار می‌رود. یکی از مؤلفه‌های تسری حکمرانی متعالی اسلامی، تأمین نیازهای متنوع اساسی خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته و سوق دادن به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، می‌باشد (صفویان، امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

۴-۵ عدالت و حکمرانی متعالی

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: ملاک حکمرانی عدالت است و عدالت محکم‌ترین بنیانی است که در هر نظام باید وجود داشته باشد.

یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در حکمرانی متعالی و تسری آن به کشورهای اسلامی و حتی جهان، ایفای عدالت است. عدل دارای جاذبه‌ای فطری است و نزد وجدان عمومی بشریت، ارزش گران‌قدر است، زیرا در سایه عدل هر کسی به حق خویش می‌رسد، تعدی و تجاوز از جامعه رخت برمی‌بندد و امنیت و آرامش همه‌جا حاکم می‌شود. به همین جهت مردم، بی‌عدالتی را نکوهش می‌کنند و عدالت را می‌ستایند. از آثار اجتماعی عدالت می‌توان پایداری اجتماعی یا اصلاح مردم، پایداری و قدرت دولت، آبادی و برکت را نام برد. پس تنها در سایه اجرای عدالت است که می‌توان به یک حکمرانی متعالی دست یافت (همان منبع).

نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب برای اولین بار توسط بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ میلادی مطرح شد و رفته رفته شاخص‌هایی از سوی سازمان‌ها و نهادهای گوناگون برای آن در نظر گرفته شد؛ اما با بررسی حکومت در اسلام در دوران حضرت علی (ع) تا به امروز می‌توانیم به وجود شاخص‌های اسلامی برای حکمرانی متعالی اسلامی پی ببریم که در این مقاله این شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا بتوان این شاخص‌ها را در نهادهای مشترک اسلامی از قبیل سازمان همکاری اسلامی پیاده‌سازی نمود که بتوان کشورهای اسلامی را با پیاده‌سازی این شاخص از واگرایی رهانید. در حال حاضر این شاخص‌ها در هیچ‌یک از کشورهای سازمان همکاری اسلامی استفاده نمی‌شود؛ در حالی که می‌توان با استفاده از شاخص‌هایی

مانند ولایتمداری، عدالت، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت، عوامل مادی و توسعه به همگرایی و نزدیکی این کشورها به یکدیگر بهره برد.

پیشنهادهای

مقاله حاضر برای رسیدن به این اهداف پیشنهاداتی را مطرح می کند:

۱- تدوین و اجرای برنامه های فراگیر تبلیغاتی برای برجسته سازی، تقویت و نقش دولت های مداخله گر و سلطه طلب.

۲- شناسایی بسترها و زمینه های منافع مشترک، بازتولید و بازتعریف ارزش ها و علایق مشترک ملل اسلامی.

۳- تقویت پیمان های منطقه ای بین کشورهای اسلامی، نزدیکی این پیمان ها به یکدیگر به عنوان پل ارتباطی جهت دستیابی به اهداف مشترک در جهان اسلام.

۴- تمسک جستن به اصل ولایت- مرجعیت دینی و محور قرار دادن آن در حفظ وحدت کشورهای اسلامی.

۵- عدالت محوری و مبارزه با فقر و تبعیض در کشورهای اسلامی.

۶- شفافیت های سیاسی، اقتصادی و اداری در دستگاه های مختلف حکومتی کشورهای اسلامی.

۷- بازتعریف ارزش های مشترک و علایق مادی- معنوی کشورهای اسلامی.

منابع

۱- امامقلی پور، سارا؛ آسمانه، زهرا، (۱۳۹۵)، «شاخص حکمرانی در اسلام و تأثیر آن بر برآوردهای سلامت در ایران»، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۵، صص ۹۳-۱۰۸.

۲- بزرگمهری، مجید، (تابستان ۱۳۹۵)، «علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۲، صص ۲۵-۵۲.

۳- حافظنیا، محمد، زرفامی، سید هادی، (تابستان ۱۳۹۱)، «چالش‌های ژئوپولیتیکی همگرایی در جهان اسلام»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸، صص ۵۲-۲۵.

۴- خاشعی، وحید؛ هرندی، عطاالله، (۱۳۹۳)، «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم.

۵- دهقانی، فریبا؛ حیدری، اکرم؛ عادل، سید حسن، (۱۳۹۴)، «مقایسه تحلیلی حکمرانی خوب از دیدگاه نهادهای بین‌المللی با حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی»، کنفرانس بین‌المللی تحقیق در علوم اجتماعی، ۲۰۱۵، صص ۱۹-۱.

۶- سهراب‌لو، علی، (۱۳۹۴)، «بررسی عنصر حاکمیت قانون، دومین همایش ملی عدالت اخلاق، فقه و حقوق».

۷- شاه‌آبادی، ابوالفضل، جامه‌بزرگی، آمنه، (۱۳۹۲)، «نظریه حکمرانی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال اول، شماره ۲، صص ۱۷-۱.

۸- شماعیان، محمد، (۱۳۹۳)، «نقد اجتماع گرایانه لیبرالیسم»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۳، صص ۶۲۲-۶۰۹.

۹- صفویان، روح‌الله؛ امام‌جمعه‌زاده، سید جواد، (۱۳۹۶)، الگوی حکمرانی خوب با سرمایه اجتماعی توسعه همه‌جانبه، فصلنامه دولت پژوهشی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۲، صص ۱۴۵-۱۸۱.

۱۰- محمودزاده، بهشته، (۱۳۹۴)، «امر به معروف و نهی از منکر و جایگاه آن در حقوق بشر»، همایش ملی عدالت، اخلاق و فقه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.

۱۱- معمارزاده، غلامرضا؛ جاسمی، جواد، (۱۳۹۸)، «حکمرانی خوب: اکولوژی متعادل»، مجله پژوهش‌های مدیریت، شماره ۸۴، صص ۴۵-۲.

۱۲- مقیمی، غلامحسین، (۱۳۹۷)، «ولایت فقیه به مثابه نظام سیاسی»، مجله علوم سیاسی، شماره ۸۴، صص ۱۱۸-۹۳.

- ۱۳- میرشکاری، هاجر؛ قاسمی، زهرا؛ بیرجندی، فاطمه، (۱۳۹۷)، «چالش‌های جهان‌شمول‌گرایی حقوق لیبرالی برای جوامع جهان سوم»، مجله علوم انسانی، شماره ۲۱، صص ۳۳-۱۵.
- ۱۴- نصرت‌پناه، محمدصادق؛ بخشی، مسعود، (۱۳۹۷)، «الگوی جهان‌شمول حکمرانی انسانی در اندیشه امام خمینی»، فصلنامه پژوهشی مطالعات انقلاب، شماره ۲۹، صص ۶۰-۳۵.
- ۱۵- نکویی مهر، نفیسه، (۱۳۸۹)، «بررسی ماهیت اعتقادی و حقوقی مکاتب فردگرایی یا اصالت فرد»، مجله پژوهش‌های اعتقادی، کلامی، شماره ۳۳، صص ۲۰۲-۱۸۷.
- ۱۶- نهج‌البلاغه، نصیح صبحی صالح، خطبه ۳۲.
- ۱۷- هاشمی، عباس؛ مهرآذر، حمید، (۱۳۹۱)، «تحلیل سیستمی سازمان کنفرانس اسلامی؛ حیات در لبه آتش»، همایش بین‌المللی و نوآوری در هنر و علوم انسانی.